

کنکاش تحلیلی

تصویریک امپراتوری در حال انحطاط، نزد افکار عمومی جهان

چگونه نگرانی از سلطه ایالات متحده به نگرانی درباره انحطاط ایالات متحده تبدیل شد؟

ریچارد وایک^۱ مدیر پژوهش
اوضاع جهانی در مرکز تحقیقات
پیو^۲، در این مطلب که با عنوان
«نگرش جدید ضدآمریکایی^۳»،
در ۸ ژانویه ۲۰۲۰ تارنمای
نشریه فارین افرز منتشر شده
است، ضمن اشاره به کاهش
محبوبیت آمریکا میان مردم
جهان و سقوط این کشور از
جایگاه یک امپراتوری، مبتنی
بر پژوهش‌ها و آمارها سخن
می‌گوید، با این حال همچنان
به دفاع از ابرقدرتی آمریکا
می‌پردازد.

از زمانی که دونالد ترامپ
رئیس جمهور آمریکا شده است،
نگرش ضدآمریکایی در بیشتر نقاط
جهان موج می‌زند. نظرسنجی جدید

مرکز تحقیقات پیو نشان می‌دهد
که رتبه نظرسنجی جهانی در مورد
ترامپ، مشابه رتبه نظرسنجی پایان
دومین دوره ریاست جمهوری جرج
دبلیو بوش است (به طور فراوانی از
امتیاز بالای باراک اوباما در تمام
دوران ریاست جمهوری اش پایین‌تر
است). ضمناً همانند دوران بوش،
عدم محبوبیت این رئیس جمهور،
به افت شدید میزان محبوبیت کلی
ایالات متحده منجر شده است. در
سال ۲۰۰۷، بررسی پیو در هفت کشور
اروپایی یعنی فرانسه، آلمان، ایتالیا،
لهستان، اسپانیا، سوئد و بریتانیا،
نشان داد که ۲۱٪ پاسخگویان در
انجام کار صحیح برای مسائل
جهانی، به بوش اعتماد دارند. در
بررسی سال ۲۰۱۹، همین درصد
اعتماد نسبت به ترامپ بیان شد،
در مقایسه با ۷۹٪ کسانی که در
سال ۲۰۱۶ اعتماد خود به اوباما را
بیان کردند. ضمناً انحطاط دوره

ترامپ به اروپا محدود نمی‌شود؛ در
۲۴ کشوری که در دو سال نهایی
ریاست جمهوری اوباما مورد بررسی
قرار گرفت، ۷۴٪ پاسخگویان مطمئن
بودند که اوباما کار صحیح را در
مسائل جهانی انجام می‌دهد. در
همین ۲۴ کشور در سال ۲۰۱۹، تنها
۳۱٪ چنین نظری را درباره ترامپ
بیان کردند. میانگین درصد کسانی
که نسبت به ایالات متحده در این
دوره، نظر مطلوبی داشتند از ۶۴٪
به ۵۳٪ افت کرد؛ بدین معنی که
نیمی از کشورها بالای این درصد و
نیم دیگر، پایین آن بوده‌اند.
اکنون نگرانی‌هایی که نگرش جهانی
منفی نسبت به ایالات متحده را
برمی‌انگیزد، با نگرانی‌های دوران
ریاست جمهوری بوش فرق
دارد. وقتی نگرش ضدآمریکایی
در دوران بوش به نقطه اوج خود
رسید، ایالات متحده، ابرقدرتی
بود که چندان تحت نقد و بررسی

1. Richard Wike
2. Pew Research Center
3. The Great Affordability Crisis Breaking
America

نهنگ لیبرال؟

از جنگ جهانی دوم به بعد، دیدگاه‌های ایالات متحده (چه مثبت چه منفی)، در اثر احساس قدرت آمریکا و راه‌هایی که تجربه می‌نمود، شکل گرفته است. در سال ۱۹۴۷، سیاستمدار و پژوهشگر بریتانیایی، هارولد لاسکی^۵ مشاهده کرد که ایالات متحده همچون غول نگهبان جهان عمل می‌کند؛ نه رم در اوج قدرتش و نه بریتانیا در دوران حاکمیت اقتصادی از تأثیری چنین مستقیم، عمیق یا نافذ برخوردار نبودند. در دهه‌های پس‌از آن، ایالات متحده آن تأثیر و به‌ویژه قدرت نظامی عظیمش را به روش‌های مختلفی، به کار گرفته است، در حالی که با واکنش‌های بسیار متفاوتی از سوی سیاستمداران و بقیه مردم جهان روبه‌رو می‌شود. به‌طور کلی، مخالفت جهانی با قدرت آمریکا هنگامی شکل گرفت که به نظر می‌رسید، ایالات متحده تمایل دارد قدرت نظامی با محدودیت اندک را در اقصی نقاط جهان به نمایش بگذارد. برای مثال، جنگ ویتنام و گسترش موشک‌هایی با طیف متوسط در برابر آلمان، توسط رئیس‌جمهور رونالد ریگان که هر دو با مخالفت فراوانی مواجه گردید. به‌تازگی حمله به عراق، مخالفت زیادی را در سراسر جهان

قرار نداشت، به صورتی یک‌جانبه منافعش را به‌پیش می‌برد و ضمن آنکه از سوی نهادها و هنجارهای بین‌المللی تحت فشار نبود، در همه موارد، نقش رهبری را ایفا می‌کرد. برعکس، در دوره ترامپ، منتقدان بیشتر نگران عقب‌نشینی ایالات متحده از رهبری جهانی و دمکراسی لیبرال هستند تا اعمال قدرت بی‌رقیب آن. ایالات متحده، در حالی که با تأثیرات بحران مالی از جنگ در عراق و افغانستان خسته است و با «عرصه‌های نوظهور»^۴، به چالش کشیده می‌شود، اکنون، ابرقدرت سابق تلقی می‌شود که به سرعت در حال محو شدن است، علاقه‌ای به چالش‌های جهانی ندارد و توجهی به این خطر ندارد که تحت‌الشعاع چین قرار گیرد. در دوره تشویش درباره گسست نظم جهانی لیبرال، بیشتر نقاط جهان، خواهان رهبری و دخالت آمریکا هستند، اما مشاهده می‌کنند که ایالات متحده به دور خود می‌چرخد. روزها سپری شد، از آن وقتی که منتقدان به ایالات متحده حمله می‌کردند، به خاطر آنکه می‌کوشید پلیس جهان باشد. اکنون، آن‌ها نگران ابرقدرت بی‌قیدی هستند که نخست به فکر آمریکا است.

برانگیخت، آن هم وقتی که به نظر می‌رسید سیاست خارجی آمریکا، بازتاب نگرش واشنگتن مبنی بر آن است که ایالات متحده می‌تواند هر آنچه را که بخواهد، انجام دهد و حتی نگرانی نزدیک‌ترین متحدانش را نیز نادیده بگیرد. تا سال ۲۰۰۷، تصویر ایالات متحده به شدت در بسیاری از بخش‌های جهان، تیره شده بود. مقایسه داده‌های نظرسنجی در این سال و سال ۲۰۰۲، یعنی سال پیش از حمله به عراق که پیودر ۲۶ کشور از ۳۳ کشور انجام داد، نشان می‌دهد که چند درصد از مردم در این دو سال، نسبت به ایالات متحده نظر مثبت دارند. این تصویر تیره فقط طی پنج سال به وجود آمد و دو سال هم دوام یافت. بررسی سال ۲۰۰۷ نشان می‌داد که روی هم رفته، فقط ۴۱٪ مردم در ۴۷ کشور حامی مبارزه با تروریسم به رهبری آمریکا هستند. بررسی قبلی اوضاع جهانی توسط پیو در سال ۲۰۰۴، نشان می‌داد که تقریباً نیم یا بیشتر اردنی‌ها، پاکستانی‌ها و همچنین ۴۰٪ یا بیشتر فرانسوی‌ها و آلمانی‌ها معتقدند که جنگ با تروریسم، پرده ابهامی بر عرصه مبارزه علیه گروه‌ها و دولت‌های دشمن مسلمان افکنده است. اکثریت در کشورهای غالباً مسلمان، مصرانه گفته‌اند که روزی ایالات متحده می‌تواند برای کشورشان، تهدید

۴. عرصه‌ای کشوری که ظهور Rise of the Rest اکوسیستم‌های آغازین در آمریکا را قدر می‌دانند و برایش سرمایه‌گذاری می‌کنند

نظامی به حساب آید. ضمناً در دوران ریاست جمهوری اوباما، حمله به سازمان‌ها و رهبران تروریست، مخالفت گسترده‌ای را به وجود آورد. در ۴۴ کشور مورد بررسی در سال ۲۰۱۴ توسط پیو، ۷۴٪ مردم مخالف حملاتی از سوی ایالات متحده بودند که افراط‌گرایان را در کشورهایمانند پاکستان، یمن و سومالی هدف می‌گرفت (لیکن بررسی سال بعد پیویادآور آن بود که قدرت قهری همیشه ناخوشایند نیست؛ روی هم رفته در ۳۹ کشور، ۶۲٪ مردم پشتیبان اقدام نظامی آمریکا علیه کشور اسلامی بودند).

سقوط غول

همچنین، نظرسنجی‌ها نشان می‌دهد که دیگر ایالات متحده، غول نگهبان جهان به نظر نمی‌رسد. چین و دیگر قدرت‌های نوظهور، به‌طور روزافزونی رهبری آمریکا را در عرصه‌های مختلف به چالش می‌کشند؛ یعنی تغییری که شهروندان معمولی و همچنین، تحلیلگران و سیاستمداران آن را تشخیص می‌دهند. بررسی سال ۲۰۱۸ پیو در ۲۵ کشور، نشان داد که ۷۰٪ مردم معتقدند که چین در مقایسه با ۱۰ سال پیش، نقش مهم‌تری را در مسائل جهانی ایفا می‌کند؛ فقط ۳۱٪ مردم درباره ایالات متحده چنین نظری داشتند. در سال ۲۰۱۵،

در ۴۰ کشور، ۴۸٪ مردم گفتند که روزی چین جای آمریکا را به‌عنوان ابرقدرت رهبر خواهد گرفت یا اکنون هم گرفته است، درحالی‌که فقط ۳۵٪ معتقد بودند که ایالات متحده در رأس قدرت باقی خواهد ماند. به نظر بسیاری، قدرت بیش از حد آمریکا، به قدرت در حال نزولی تبدیل شده است. در سه سال نخست ریاست جمهوری ترامپ، کاهش نظرات مطلوب نسبت به رهبری ایالات متحده توأم با این احساس بوده که التزام آمریکا به رهبری جهانی، رو به افول است. بسیاری از مردم اقصی نقاط جهان معتقدند که ایالات متحده به رهبری ترامپ، از ایفای نقش فعال در مسائل جهانی در حال پسا کشیدن است و آن‌ها این موضوع را نمی‌پسندند. در سال‌های پس از جنگ جهانی دوم، مردم، به‌ویژه در اروپا معتقد بودند که ایالات متحده قدرتش را به روش‌های نسبتاً ملایمی اعمال می‌کند که به بنیان‌های نظام لیبرال کمک می‌نماید (به‌عنوان مثال، طبق نظر دانشمندان علوم سیاسی ایتالیا، پیرانجلو ایسرنیا^۶، نظرسنجی در اواخر دهه ۱۹۴۰ آگاهی گسترده از طرح مارشال^۷ و پشتیبانی از آن را میان مردم بریتانیا، فرانسه و ایتالیا نشان می‌داد). اکنون، بسیاری

6. Pierangelo Isernia

۷. Marshall Plan برنامه‌ای که طبق آن، آمریکا کمک اقتصادی زیادی به کشورهای اروپایی نمود تا پس از جنگ جهانی دوم خرابی‌های خود را ترمیم کنند.

شاهد آن‌اند که ایالات متحده به دلیل وخامت اوضاع بین‌المللی سرزنش می‌شود. بررسی‌های پیو در سال ۲۰۱۹، مخالفت شدید با سیاست‌های ترامپ درباره تجارت^۸، اقلیم^۹، مهاجرت^{۱۰} و ایران^{۱۱} را نشان داده است که در تمام موارد به نظر می‌رسد، ایالات متحده از الزامات بین‌المللی کنار می‌کشد و موانعی را بین خود و بقیه جهان می‌تراشد. به‌ویژه اروپایی‌ها فکر می‌کنند که واشنگتن، کمتر به حل مسائل جهانی کمک می‌کند. در بررسی سال ۲۰۱۸، سه چهارم آلمانی‌ها و سوئدی‌ها معتقد بودند که در مقایسه با چند سال پیش، ایالات متحده کمتر به رفع چالش‌های بزرگ جهانی کمک می‌کند و نیمی یا بیشتر مردم در هلند، بریتانیا و فرانسه نیز همین نظر را داشتند.

تنزل دمکراتیک

به نظر دانشمندان علوم سیاسی لاری دیاموند^{۱۲}، امروز دیگر محرک اصلی نگرش ضدآمریکایی کمتر به جغرافیایی سیاسی یا سیاست خارجی مربوط می‌شود و بیشتر به آن پریشانی ربط دارد که اخیراً،

۸. فقط ۱۸٪ در ۳۳ کشور، موافق افزایش تعرفه توسط ایالات متحده هستند.

۹. ۱۴٪ موافق کناره‌گیری آمریکا از پیمان‌های مرتبط با اقلیم هستند.

۱۰. ۲۴٪ با ساخت دیوار در مرز مکزیک موافق هستند. ۱۱. ۲۹٪ پشتیبان آن‌اند که آمریکا از پرداختن به اقدامات هسته‌ای ایران صرف نظر کند.

12. Larry Diamond

ضمن «رکود دموکراتیک» جهانی، جوامع دموکراتیک را فرا گرفته است. بنا بر تازه‌ترین ارزیابی^{۱۳} IDEA بین‌المللی از وضعیت دموکراسی جهانی، «دموکراسی بیمار بوده و وعده‌هایش نیازمند احیا است». پژوهشگران روبرتو استفان فوا^{۱۴} و یاشا مونک^{۱۵} به مرور زمان، نظر عمومی را بررسی کرده و به این موضوع پی بردند که پشتیبانی از دموکراسی، رو به کاهش و حمایت از اشکال غیردموکراتیک دولت در تعدادی از دموکراسی‌هایی رو به افزایش است که ظاهراً محکم به نظر می‌رسند. همان‌طور که اطلاعات بررسی پپو نشان می‌دهد، دموکراسی لیبرال به طرق مختلف، بحران اعتماد را تجربه می‌کند. بررسی سال ۲۰۱۷ در ۳۸ کشور، نشان داد ۷۸٪ مردم معتقدند که دموکراسی، الگوی خوبی برای دولت است، اما شگفت آنکه تعداد زیادی نیز نسبت به گزینه‌های غیردموکراتیک، نظر مساعد داشتند، مانند حکومت خبرگان (۴۹٪)، حاکمیت توسط رهبر قوی که در دسر پارلمان یا دادگاه‌ها را نداشتی باشد (۲۶٪) یا حتی حاکمیت ارتش (۲۴٪). دموکراسی ایده محبوبی بوده، اما میزان تعهد مردم به حقوق

و نهادهای دموکراتیک، اغلب ناامیدکننده است. به علاوه اینکه ایالات متحده تا چه حد می‌تواند الگوی دموکراسی لیبرال باشد، به طور روزافزونی مورد تردید واقع می‌شود. در نظرسنجی که در سال ۲۰۱۸، در ۲۵ کشور انجام شد، ۵۱٪ مردم اعتقاد داشتند که دولت آمریکا به آزادی‌های شخصی احترام می‌گذارد، در حالی که به طور میانگین، ۳۷٪ بیان کردند که چنین نیست؛ اما در بسیاری از کشورها، درصد کسانی که معتقدند ایالات متحده به آزادی‌های فردی احترام می‌گذارد، در سال‌های اخیر کاهش یافته است. رتبه‌های مربوط به این معیار، در دوران ترامپ عمدتاً پایین آمده است، گرچه در بسیاری از موارد، این لغزش از دوران ریاست جمهوری اوباما شروع شد، ضمن آنکه با تحولات مربوط به استراق سمع و داستان‌های مشابه همراه بود. سرعت این تنزل، به ویژه در اروپا زیاد است. برای مثال در سال ۲۰۱۳، ۸۱٪ آلمانی‌ها بیان کردند که ایالات متحده به آزادی‌های فردی احترام می‌گذارد، در صورتی که در نظرسنجی سال ۲۰۱۹، تنها ۳۵٪ آن‌ها چنین نظری داشتند.

ابرقدرت پیچیده

به نظر می‌رسد که پژوهشگران و شهروندان، معتقدند که عناصر

کلیدی نظم جهانی لیبرال در حال دگرگونی است، چه این عناصر تعادل قدرت متغیر، چالش با چندجانبه‌گرایی، بستن مرزها و چه کاهش اعتماد به سلامت دموکراسی باشد. ضمناً آن‌ها رهبری را در واشنگتن مشاهده می‌کنند که کمتر از پیشینیان خود به تقویت و حفظ این نظم جهانی متعهد است. لیکن قابل توجه آنکه تصویر ایالات متحده باز یافت می‌شود. امروز روشن است که مردم از ایالات متحده، قطع امید نکرده‌اند. در سال ۲۰۱۸، پیواز پاسخگویان در ۲۵ کشور پرسید: آیا ترجیح می‌دهند در جهانی زندگی کنند که ایالات متحده، قوی‌ترین ابرقدرت باشد یا چین؟ ۶۳٪ مردم، ایالات متحده را ترجیح می‌دادند، در حالی که فقط ۱۹٪ با ابرقدرتی چین موافق بودند. مردم می‌دانند که دنیا در حال تغییر است، اما هنوز مایل‌اند که آمریکا، جایگاه برتر را داشته باشد. حتی اگر نظام بین‌المللی دور خود بچرخد، بسیاری از عناصرش، کاملاً محبوب بوده و مردم، هنوز خواهان رهبری ابرقدرت بسیار پیچیده‌ای هستند که چنین وضعیتی را به وجود آورده است.

منبع

این مقاله در ۸ ژانویه ۲۰۲۰ در تازمانی نشریه فارین افز منتشر شده و در آدرس ذیل، قابل دسترسی است: <https://www.foreignaffairs.com/articles/2020-01-08/new-anti-americanism>

13. Institute for Democracy and Electoral Assistance (IDEA) سازمان بین‌دولت‌ها که (IDEA) برای حمایت و تقویت مؤسسات و فرآیندهای دموکراتیک، در جهان فعالیت می‌کند.
14. Roberto Stefan Foa
15. Yascha Mounk